

حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۸)

شهرزاد دوستی^۲

چکیده

خانه حریمی مقدس و محور اصلی یکپارچگی خانواده است. همچنین مأمن و مأوای اصلی خانواده به شمار می‌رود. در گذشته علاوه بر کارکرد فضای زیستی، حفظ حریم خصوصی خانواده از کارکردهای اصلی خانه‌های سنتی ایرانی به شمار می‌رفت. بر این اساس، همه اجزای خانه‌های سنتی ایرانی، فلسفه و تعریف روشن و معینی داشت که ناظر بر ملاحظات اخلاقی، مذهبی و فرهنگی بود و اهل خانه را از دیده و شنیده شدن مصون می‌ساخت. برای نگارش این مقاله از روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های این جستار نشان می‌دهد انگیزه معماری سنتی، بیان و انعکاس مفاهیم فرهنگی و باورهای دینی مردم و تحت تأثیر قرارداد رفتار مردم توسط این عناصر بوده است و توجه به مضمون از اهمیت متعالی برخوردار بوده تا جایی که کالبد، مفهوم و محتوای مسکن سنتی را هماهنگ با ویژگی‌های فطری انسان شکل می‌بخشیده است تا اهل خانه به آرامش قلبی برسند. مشخصه این نوع معماری پدیده درونگرایی بود که به دلایل فرهنگی و اقلیمی و توجه به باطن و درون در خانه‌های سنتی مورد تأکید قرار می‌گرفت. این شکل خانه‌ها، حریم و محرمیت را برای اعضای خانواده ایجاد می‌کردند. برای ظهور چنین معنایی لازم بود عرصه‌های محرمیت به صورت سلسله‌مراتب در خانه‌ها مورد توجه قرار گیرند. از این رو، تمام قسمت‌های خانه بر این فرض استوار می‌گردید. حریم ورودی، هشتی، دالان، حیاط بیرونی، اتاق مهمان، حیاط درونی و اتاق‌ها به صورتی طراحی می‌شدند که اصل حریم و محرمیت حفظ گردد.

کلیدواژه‌ها: خانه ایرانی، خانه سنتی، حریم خانه، محرمیت خانه، معماری سنتی.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «حریم و محرمیت مسکن سنتی شهری و روستایی ایران» است که برای مرکز تحقیقات صداوسیما در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است.

۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، پژوهشگر فرهنگ مردم. مرکز تحقیقات صداوسیما، رایانامه:

معماری ظرف زندگی انسان در تمام ابعاد فردی و اجتماعی و منطبق بر شرایط زیستی وجود است. با این نگاه، برای تحقق معماری علاوه بر توجه به وجوه ملموس و مادی (کالبد) آن، باید حوزه‌های انسانی چه در حقیقت فردی و چه در حقیقت اجتماعی را نیز مورد تأمل و مطالعه قرار داد. از میان فضاهایی که انسان در آن حضور می‌یابد، خانه فضایی است امن که آدمی به طور روزمره از آن تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. چگونگی ساخت خانه با توجه به فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی هر منطقه و همچنین نحوه تعامل افراد در خانه با یکدیگر و با مهمانان و تازه‌واردان در نقاط مختلف متفاوت است. از جمله مسائل مهم در این حوزه مسکن پرداختن به الگوهایی است که در ساختار خانه از گذشته تا به امروز متجلی بوده است. در معماری کهن ایران، خانه، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و سبک زندگی بود، در حالی که امروزه معماران معاصر بر عوامل کمی و اقتصادی متمرکز هستند و ارزش‌های معنوی و فرهنگی مورد غفلت واقع شده است.

در گذشته سازندگان مسکن مطلوب با رعایت معیارهای حریمیت، حجاب، حیات خلوت و... حریم امنی برای خانواده به وجود می‌آوردند. معماری در بافت‌های سنتی ایران حاوی نکات ارزشمند و مطلوب از ارزش‌های معنوی ایرانی - اسلامی به منظور حفظ و تقویت حریم و حرمت خانه و خانواده است.

مشخصه معماری ایرانی در گذشته پدیده درونگرایی بود که به دلایل فرهنگی و اقلیمی و توجه به باطن و درون، به خانه‌های سنتی افزوده می‌شد. مصادف با دوره جدید، مقوله نوگرایی به همه زمینه‌ها از جمله معماری وارد شد و با آنچه که سنت نامیده می‌شد و با تار و پود زندگی و فرهنگ ما در هم تنیده شده بود، به مقابله برخاست. با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی و با مطرح شدن سیاست تولید مسکن انبوه، خانه‌های سنتی درونگرا همساز با اقلیم، جای خود را به آپارتمان‌های مکعبی شکل برونگرایی دادند که تنها مسئله مورد توجه در آنها سود اقتصادی بیشتر بود. به دلیل افزایش قیمت زمین، مصالح و نیروی کار در آپارتمان‌های امروزی مسئله حریم و

حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۱۷

سازگاری بنا با اقلیم کم‌رنگ شد و سازمان فضایی خانه معاصر به کل متفاوت از خانه سنتی شکل گرفت.

از ویژگی‌های طرح اندرونی و بیرونی خانه که از پشتیبانی آموزه‌های دینی برخوردار است، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱) برخورداری خانواده‌ها از آسایش و آرامش و راحتی بیشتر؛ وقتی مهمان نامحرم وارد خانه می‌شود، در همان بیرونی اسکان می‌یابد و پذیرایی می‌شود و هیچ ارتباطی با اندرونی پیدا نمی‌کند، در این صورت هم مهمان راحت است و هم صاحب‌خانه. (آخوندی، ۱۳۹۳: ۱۲۲-۱۲۳)

۲) حفظ حریم خانواده؛ اصطلاحاتی چون «حریم» در معماری ایرانی - اسلامی بیانگر حرمت ذاتی داخل خانه از یک سو و حرام بودن نگاه اغیار از دیگر سو بوده است. حفظ حریم خانه به گونه‌ای که ساکنان آن از دید بیگانگان مصون باشند، جزو الزامات ذاتی خانه‌ها بوده است؛ در عین حال که خانواده‌ها باید احساس امنیت روانی داشته باشند.

در این شکل از معماری، وجود «هشتی» در خانه‌ها که به نحوی مرز میان خلوت و جلوت (اندرونی و بیرونی) را شکل می‌داد، درنگی برای رویارویی با دو فضای متفاوت را ایجاد می‌کرد. مسئله حریم و نیز بنیاد روان‌شناختی هشتی نشان می‌دهد جامعه ایرانی در گذشته برای خانه ارزش ذاتی قائل بوده است، ولی عوامل صوری و ظاهری امروزی مانند رفاه، راحتی صرف و اصل حداکثری گنجایش و نیز کارآمدی هر چه افزون‌تر به هر قیمت، عرصه را برای ظهور معانی انسانی چون حریم تنگ کرده است.

معیارهای شکل‌دهی در خانه ایرانی بر اساس رعایت حریم استوار است. حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم‌کننده روابط فرد و جامعه به شمار می‌رود. حریم در حد فاصل خصوصی‌ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی‌ترین تجمع اهالی و خویشاوندان در خانه به صورت فضاها بینایی و متوالی، معیار شکل‌دهنده مراتب فضایی خانه است. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

۱۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به همین دلیل، خانه ایرانی را به یکباره نمی‌توان مشاهده کرد، فضاهای سازمان‌یافته در این خانه‌ها در یک تصویر قابل رویت نیستند. می‌بایست حتماً به خانه وارد شد، در درون آن چرخید و به طور متوالی به فضاهای مختلف و متنوع آن دسترسی پیدا کرد.

معنا و مفهوم حریم و محرمیت در معماری ایرانی

معماری ایران همواره به نیازهای انسانی پاسخی معمارانه داده است. در این معماری فضایی برای حفظ حریم و فضای خصوصی و محرمانه برای زن به وجود آمده است. حریم در معماری ایران، انعکاس فضایی حرمت بوده و حرمت انعکاس اجتماعی حریم‌ها باعث استقلال و هویت‌دهی یک فضا و از دیگر سوی باعث بسط و ترکیب با دیگر فضاها می‌شد. حریم‌ها در معماری به صورت فضاهای بینابینی خود را بروز می‌دهند. معماران گذشته با طراحی خانه‌ها به صورت درون‌گرا، امکان اشراف و احاطه از بیرون خانه به دورن آن را منتفی ساخته‌اند. همچنین مرکز خانه از هیاهوی کوچه و بازار در امان مانده و به این ترتیب با انفکاک و استقلال خانه از محیط و بناهای پیرامون خود آرامش برای اهل خانه به ارمغان آمده است. در داخل خانه رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و جدا کردن عرصه‌های گوناگون زندگی از نقطه‌نظرها، کوشش دیگری به همین منظور بوده است.

حرم به معنای آن چیز یا مجموعه چیزهایی است که برای فرد بویژه انسان محترم بوده و او از آنها حمایت و دفاع می‌کند. احترامش بر همه انسان‌ها واجب است و هتک حرمت آنها حرام است. به عبارت دیگر، حریم عبارت است از مجموعه موقعیت‌ها و شرایط ویژه و مناسب حال یک انسان، گروهی از انسان‌ها یا هر چیز دیگری که در محدوده‌ای خاص مانند مرزهای یک خانه قرار گرفته و ورود به آن محدوده و استفاده از آن شرایط خاص برای هر کس به غیر از صاحب یا صاحبان آن ممنوع است. (علی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۹-۷)

حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۱۹

حریم در لغت به معنی پیرامون، گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، معرفی می‌شود. حریم کلمه‌ای عربی و به معنی منع نیز بوده و احاریم جمع آن است. (عمید، ۱۳۶۵: ۹)

محرمیت مفهومی پیچیده و وابسته به فرهنگ که می‌توان آن را به عنوان حق شخصی در اینکه شخص چه اطلاعاتی از خود را تحت چه شرایطی به دیگران منتقل سازد، تعریف کرد. محرمیت را می‌توان با مفاهیمی همچون خصوصیت و خلوت نیز مترادف دانست، زیرا همگی القاکننده مفهوم اساسی تری به نام عرصه، حریم، قلمرو یا حوزه نفوذ هستند. چهار حالت اصلی را می‌توان برای محرمیت مشخص کرد: تنهایی و خلوت که در آن شخص خود را از دیگران جدا می‌کند و خود را از نظر آنها پنهان می‌دارد. این حالت کامل‌ترین خلوت بصری است. مرحله بعد حالت فضای مصنوعی است که شخص به اتفاق چند نفر از نزدیکان یک محفل صمیمی و خودی را به وجود می‌آورد؛ نظیر جمع خانوادگی. مرحله سوم هنگامی پیش می‌آید که شخص در فضای عمومی بوده و به انجام فعالیت‌های عمومی مشغول است، با وجود این خواهان ناشناخته ماندن است. بیشتر مردم عادی علاقه‌مندند در فضاهای عمومی ناشناخته باقی بمانند تا بتوانند به راحتی فعالیت مورد نظر خود را انجام دهند. ترس از نظارت از سوی دیگران در فضای عمومی، حس آرامش و آزادی را از شخص سلب می‌کند. بالاخره حالت چهارم که ظریف‌ترین و حساس‌ترین نوع محرمیت است، عبارت است از ایجاد حریم روانی در مقابل هر گونه تجاوز و مزاحمت. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در شرایط مطلوب، شایسته است شبکه‌ای از سلسله‌مراتب محرمیت، فضاهای شهری را دربرگیرد. این سلسله‌مراتب معمولاً از واحدهای مسکونی به عنوان محرم‌ترین و خصوصی‌ترین فضا شروع و به عمومی‌ترین فضای مرکزی شهر ختم می‌شود. (کیوانلو و اسدی، ۱۳۹۲: ۳)

می‌توان عنوان داشت که مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل می‌دهد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان

۱۲۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌آورد، به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش می‌رسد. فضای محرم نیز فضایی است که شرایط مادی و معنوی را برای استفاده‌کننده به منظور حصول محرمیت در تمامی ابعاد مختلفش فراهم آورد. محرمیت را می‌توان یکی از اصولی دانست که از گذشته‌های دور در معماری ایران‌زمین به چشم می‌خورده است. (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۵: ۴)

درون‌گرایی در معماری سنتی

درون‌گرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته و با حضوری آشکار به صورت‌های متنوع قابل درک و مشاهده است. در فرهنگ معماری ایران، ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی آن داده شده و پوسته ظاهری صرفاً پوششی مجازی است که از حقیقتی محافظت می‌کند و غنای درون و سربسته آن تعیین‌کننده جوهر و هستی راستین بناست و قابل قیاس با جوهات و فضای بیرونی نیست. درون‌گرایی در جست و جوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است. (حیبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۵؛ دیبا و یقینی، ۱۳۷۸: ۹۷)

درون‌گرایی بنا ویژگی‌هایی دارد:

- ۱) ارتباط بصری مستقیم بین فضاهای داخل با فضاهای بیرون از خود ندارد.
- ۲) فضاهای مختلف آن را عنصری مانند حیاط یا صفه‌های سر پوشیده سازماندهی کرده است؛ به نحوی که روزنه‌ها و بازشوها به طرف این عناصر باز شوند.

سلسله‌مراتب و عرصه‌های محرمیت

اصل سلسله‌مراتب در شکل‌گیری یک بنای معماری به شکل دهی قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت و نیز حریم‌بندی‌های فضایی کمک می‌کند. اصل سلسله‌مراتب یعنی ساماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی ویژگی‌های کالبدی یا

حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۲۱

کارکردی آنها که موجب پدید آمدن سلسله‌مراتبی در نحوه قرارگیری یا استفاده یا مشاهده عناصر شود. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۰)

توجه به اصل سلسله‌مراتب نقش پررنگی در حریم‌بندی و ایجاد فضای رابط میان دو قلمرو دارد. گذر آبی و بدون مقدمه لازم از عنصری به عنصری دیگر در بنا که عملکرد و کالدهای متمایزی از هم دارند، به واسطه فقدان شرایط روانی و فیزیکی مطلوب و بهینه موجبات نارضایتی از حریم‌ها و تداخل نامناسب قلمروها یا تکرار نامناسب و ناهنجار ویژگی‌های مشابه و یکسان، کالبدی و فضایی در عناصر متفاوت را فراهم می‌آورد. (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۵: ۸)

به کارگیری اصل سلسله‌مراتب در معماری سنتی ایرانی به خوبی قابل مشاهده است. استفاده از سلسله‌مراتب نه تنها در حوزه‌های مختلف معماری بنا، بلکه در شهرسازی نیز همانند سلسله‌مراتب عملکردی عبوری محله‌ای و منطقه‌ای باعث پیدایش ساختارهای کالبدی - فضایی شده است. مهم‌ترین دستاورد آن محرمیت و ایجاد حریم‌های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت همراه با پیوستگی فضایی است. (همان) با توجه به این اصول یکی از کارکردهای فضاهای ورودی، اتصال فضاهای درونی با فضاهای بیرونی است. سایر کارکردها یا فعالیت‌ها از جمله تغییر مسیر، توقف، انتظار، ورود، تقسیم و تعیین جهت یا مسیرها، حرکت و ورود به فضای داخلی نیز هر کدام اجزائی متناسب با ویژگی‌های خود دارند. سلسله‌مراتب موجود بین این فعالیت‌ها موجب شده است که بین اجزا آنها نیز سلسله‌مراتبی وجود داشته باشد تا کارکرد فضاهای ورودی به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد. مرزبندی مشخص، ثابت و انعطاف‌ناپذیر میان فضای عمومی و خصوصی، شخص کاربر را یا در فضای عمومی یا فقط در فضای خصوصی قرار می‌دهد و از جذابیت‌های فضا می‌کاهد. در مقابل مرزهای مختلف به صورت مناطق انتقالی و بینابینی (نیمه خصوصی - نیمه عمومی) که به صورت حلقه‌های اتصال عمل می‌کنند، حرکت بین فضاهای عمومی و خصوصی را، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روانی، آسان و میسر می‌سازد. (نوذری، ۱۳۸۳: ۵۱)

همان‌طور که اشاره شد، کارکرد و نقش اصلی در ورودی هر فضای محصور، تامین نوعی ارتباط قابل کنترل میان درون و بیرون آن فضاست و لذا متناسب با ویژگی‌های کارکردی و کالبدی آن طراحی و ساخته می‌شود. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۱)

۱۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در خانه‌های ایرانی اغلب به منظور رعایت این حریم‌های ورودی، از دو الگو استفاده می‌شده است: الگوی تداخل قلمرو در فضای واحد و الگوی مجزا ساختن مکان آنها. نتیجه این الگوها، انواع معینی از فرم‌های کالبدی و چیدمان داخلی گسترده بوده است. فضای این خانه‌ها شامل حیاط و اتاق‌ها حریم خصوصی انسان بوده است و باید برای ورود به آن اجازه گرفت. در این حریم، افراد جدا از دنیای بیرون و قوانین و قالب‌های معین آن، می‌توانند با خویشتن خویش خلوت کنند و به احساسات فردی و نیازهای روانی خود به گونه‌ای مناسب و دلخواه پاسخ گویند. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۶)

در خانه‌های تاریخی ایران، ورودی دارای شخصیت و جلوه فضایی مستقل است. ورودی به طور مستقیم و بلاواسطه با فضاها مرتبط نیست، بلکه یک یا چند فضای واسط دیگر با حیاط و محوطه داخلی مرتبط می‌شود. در چنین مواردی مخاطب پس از عبور از ورودی و ورود به خانه بلافاصله و به یکباره تمامی فضای خانه را مشاهده نمی‌کند. این ویژگی در تمامی نمونه‌های موجود، همانند یک الگو و ضابطه ساختمانی رعایت شده است. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱)

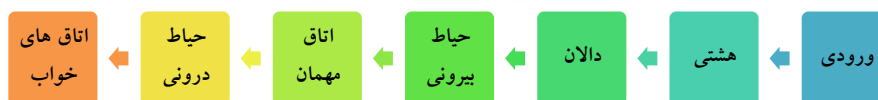
سلسله‌مراتب، ارتباطی نظام‌مند را بین اجزا بنیان می‌نهد که خود تشکیل یک کل می‌دهد. سلسله‌مراتب فضایی به ارتباط داخل خانه (به عنوان یک فضای خصوصی به طور عام) و فضای خارج مجاور آن (به عنوان فضای عمومی عام) می‌پردازد و جزئیات این ارتباط را روشن می‌کند. دستیابی به سلسله‌مراتب فضایی مورد نیاز، پاسخگوی ارزش‌هایی چون امنیت، محرمانگی، آرامش و خلوت است (حکمت سلسله‌مراتب). انواع سلسله‌مراتب سازمانی محیط مسکونی آدمی باید عرصه فراموش شده زندگی خصوصی یعنی خلوت‌ترین و خصوصی‌ترین جاها را شامل شود (چرمایف و کیستفر، ۱۳۷۱: ۳۲۴). بهترین شیوه برای صیانت از حریم (بویژه حریم خصوصی زنان) حفظ سلسله‌مراتب خصوصی است که خانه در آن عنصر مرکزی محسوب می‌شود. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

در خانه ایرانی فضای جلوی خانه که عمومی‌ترین فضای آن محسوب می‌شود، از طریق درب ورودی اصلی، هشتی و دالان به بخش‌های نیمه‌عمومی خانه مرتبط می‌شود. بخش‌های نیمه‌عمومی خانه (مانند حیاط بیرونی و اتاق مهمان) فضاهایی برای دسترسی و برقراری ارتباط بین ساکنان و مهمانان است. اتاق‌های خصوصی نیز از طریق حیاط اندورنی و فاصله گرفتن از فضاهای عمومی تفکیک می‌شوند. به عبارتی،

حريم و محرميت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۲۳

مرزها همان قدر که برای جدا کردن دو قلمرو و حفاظت از یکی در مقابل دیگری هستند، رابط مکانی برای برقراری ارتباط بین آن دو نیز به شمار می‌روند. درب ورودی خانه نقطه شروعی هم برای ورود به درون خانه و هم ورود به دنیای بیرون یعنی خیابان‌هاست و آستانه‌ای را تشکیل می‌دهد. مرز، ویژگی مبهمی می‌تواند داشته باشد؛ یعنی گاهی می‌تواند محرک و مشوق نفوذپذیری و برقراری رابطه اجتماعی قرار گیرد. ایوان جلوی خانه نیز مثالی دیگر است که محدوده عرصه‌های صرفاً خصوصی را به مکانی برای ارتباط دو سویه و برقراری ارتباط تبدیل می‌کند. بعد از ورودی، هشتی نخستین فضایی از خانه ایرانی است که بدان وارد می‌شویم و می‌توانیم در آن استراحت کنیم تا معلوم شود به کدام فضا برویم یا چه کسی به سراغمان خواهد آمد و ممکن است مدتی در آن جا بمانیم. فضای هشتی الگوی رفت و آمد به درون خانه را تنظیم می‌کند و یک فضای واسط است. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

درهای خانه‌های ایرانی از بامداد که باز می‌شدند تقریباً می‌توانند تا آخر شب باز بمانند، چرا که درون خانه از کوچه و از چشم‌انداز فضای ورودی محفوظ است، اما ارتباط صوتی آمد و شدی بین کوچه و درون خانه برقرار است. بعد از عبور از سردر، در بدو ورود به خانه پا به فضایی با امکان مکث می‌گذاریم. فضای ورودی که در مقایسه با فضای معبر کم‌نورتر و خنک‌تر است، حالتی خوشامدگو و آرامش‌بخش دارد و در صورت نیاز امکان اقامت و گفت‌وگوی دو سه نفره نیز در آن فراهم است. این فضای ورودی داخل خانه حس یک اتاق را دارد و فضایی مستقل و کامل است (همان: ۱۳۱). به کارگیری مفهوم روشنایی و تاریکی، عنصری کلیدی در دستیابی به حس تضاد مضاعف در فضاهاست که هر یک تعریف خاص خود را دارد.



پژوهشگران مختلف به منظور رعایت اصول محرمیت و حریم شخصی افراد مختلف، الگوی مستقیم فضایی مسکن را به صورت الگویی کلی در قالب چهار عرصه

۱۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مطرح و تایید کرده‌اند. عرصه‌های این دسته‌بندی چهارگانه مذکور به عنوان پایه نظام فضایی خانه برای تأمین اصول محرمیت و حریم شخصی، به این شرح است: عرصه عمومی، حوزه دوستان، همکاران، بستگان دور و همسایگان و به طور کلی افراد نامحرم.

عرصه خصوصی حوزه اعضای خانواده است؛ به گونه‌ای که هیچ ارتباطی بین اعضای خانواده و افراد غریبه وجود ندارد. معیار اندازه‌گیری این مفهوم زنان خانه هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند. دو حوزه دیگر یعنی عرصه‌های نیمه عمومی و نیمه خصوصی، فضاهای بینابینی دو عرصه اصلی را شامل می‌شوند.

عرصه عمومی که دربرگیرنده فضاهای منتهی به ورودی، مجموعه ورودی و متعلقات آن می‌شود.

عرصه اجتماعی مردان که دربرگیرنده فضاهای تعاملات مردانه است و دسترسی آن از ورودی اصلی تأمین می‌شود. عرصه اجتماعی زنان که شامل فضاهای تعاملات اجتماعی زنان با دوستان، همسایگان و خویشان است و از طریق حیاط بیرونی ارتباط می‌گیرد. عرصه نیمه خصوصی که شامل فضاهایی است که در فصل مشترک لایه‌های اجتماعی زنان و لایه خصوصی خانه قرار دارند. عرصه خصوصی که دربرگیرنده فضاهای حمایت‌کننده زندگی روزمره خانوار است. عرصه خلوت که شامل اتاق خواب‌ها و فضاهای خلوت مشترک است. (یاری بروجنی و دیگران، ۱۳۹۳).

جدول ۱. عرصه‌بندی فضاها

فضاها و عملکردها	استفاده‌کنندگان از فضا	عرصه‌های فضایی
خیابان، کوچه و محله	افراد غریبه و نامحرم	عرصه عمومی
ورودی خانه	دوستان، همسایه‌ها و آشناها	عرصه نیمه عمومی
ایوان خانه، حیاط بیرونی	دوستان و افراد نزدیک‌تر بدون آنکه مزاحمتی برای خانم خانه ایجاد شود	عرصه نیمه خصوصی
حیاط اندرونی، مهمان‌خانه و پذیرایی	ارتباط اعضای خانه با هم یا با بستگان نزدیک	عرصه خصوصی
نشیمن و ناهارخوری	ارتباط افراد خانه با هم	عرصه نیمه صمیمی
محل عبادت، اتاق شخصی افراد، اتاق والدین	خلوت هر یک از افراد خانه	عرصه صمیمی

حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۲۵

با توجه به عرصه‌بندی فضاهای خانه و افرادی که از این فضاها در خانه استفاده می‌کنند، ایجاد محرمیت در انواع مختلف بنا بر عملکرد هر فضا و کاربران آن امری ضروری به نظر می‌رسد. برای مثال در ساختار فضایی ورودی خانه‌ها همان‌طور که اشاره شد، به دلیل ارتباط افراد غریبه و نامحرم رعایت محرمیت بصری، رعایت محرمیت صوتی و رعایت محرمیت رفتاری لازم است و این مسئله در معماری سنتی ایران با وجود فضاهایی مانند هشتی و راهرو به خوبی رعایت شده است. (خان‌احمدی و زینل‌زاده، ۱۳۹۳).

جدول ۲. اجزای سلسله‌مراتب محرمیت در خانه سنتی ایرانی

مشخصات	تعارف و نمود
سردر	معمولاً دیوارهای بیرونی کاه‌گلی بوده و فقط سردر مجلل ساخته می‌شده است و سکوهایی در دو طرف آن قرار داشته است که برای کسانی که با صاحبخانه کار داشته ولی لازم نبوده وارد خانه شوند، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.
کوبه	سه عنصر فلزی؛ حلقه برای زنان و کوبه برای مردان و کوبه‌ای متفاوت برای غریبه‌ها بر روی درها تعبیه شده بود که موجب بازشناسی مردان از زنان و غریبه‌ها با صدای در و در نتیجه رعایت پوشش مناسب اهل منزل می‌شده است.
هشتی	هر چند بیشتر مواقع شکل آن هشت ضلعی بوده است، اما هشتی‌هایی به شکل مربع و دیگر شکل‌ها نیز وجود دارد. منظور از هشتی چیزی است که از فضاهای داخلی خانه بیرون آمده و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. ایجاد مکث، تقسیم فضایی و فضایی برای انتظار، از عملکردهای جالب این عنصر است. در بعضی خانه‌ها، بالاخانه‌ای به نام فروار با عملکرد اتاق مهمان روی سردر کوچک می‌ساختند که راه آن از پله‌ای در گوشه هشتی بوده است.
کریاس	آستانه و ورودی خانه گفته می‌شود که گاه دارای سکوهایی برای نشستن است؛ برای مهمان‌هایی که زیاد رسمی نیستند و تنها برای زمان کوتاهی قصد توقف دارند.
راهرو (دالان)	برای ورود به فضاهای مختلف از جمله مهمانی و اندرونی می‌بایست از راهروهای پریچ و خم عبور می‌کردند. هشتی و نیز این راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاط‌های اندرونی و بیرونی مانع دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانواده می‌شده است (در چنین خانه‌هایی دالانی مخفی برای خروج زنان از منزل وجود داشته که گاه در زیرزمین خانه‌ها دری به همسایه برای رفت و آمد زنان تعبیه می‌گشته است).
حیاط (میان‌سرا)	در شکل‌دهی خانه‌های درون‌گرا حیاط عاملی مؤثر در سازماندهی و ایجاد حریم امن و آرام برای آسایش خانواده بوده است؛ خانه‌های حیاط‌دار درون‌گرا یا با ایجاد فضایی در گوشه‌ای از یک حیاط و خارج محیط خصوصی خانواده یا با ساختن حیاطی دیگر به نام بیرونی به این هدف دست یافته‌اند.

در - پنجره‌ها: انواعی از پنجره بودند که یا به صورت همزمان کارکرد در و پنجره داشتند یا اگر به عنوان در مورد استفاده نبودند، اما مشخصات در را داشتند. از ویژگی‌های در - پنجره‌ها وجود سطحی شفاف در تمام یا قسمتی از سطح در - پنجره بود که نور از آنجا به فضای درون راه می‌یافت. بسیاری از فضاهای ساده معماری از طریق همین در - پنجره‌ها نور خود را تأمین می‌کردند؛ مثل حجره‌های برخی کارونسراهای کوچک برون شهری. برخی الگوهای رفتاری مربوط به سکونت را می‌توان در پیدایش این نوع پنجره و تداوم کاربرد آن تا دوران معاصر، موثر دانست. گاه افراد برای دید کافی در هنگام نشستن روی زمین، نیاز به چشم‌انداز داشتند تا به صورت سطحی به بیرون نگاه کنند که از کف اتاق شروع می‌شد زیرا خط افق در این حالت در ارتفاع تقریباً شصت سانتی‌متری از کف قرار داشت که بهترین دید را برای شخص فراهم می‌کرد؛ بویژه با توجه به این که سطح کف اتاق‌ها بالاتر از سطح حیاط بود.

ارسی: پنجره ارسی نوعی پنجره چوبی مشبک است که لنگه‌های آن به جای آنکه روی پاشنه‌گرد حرکت کند، در داخل یک چارچوب به سمت بالا حرکت می‌کند. پنجره‌های ارسی عموماً به گونه‌ای ساخته می‌شدند که تمام سطح بیرونی یک اتاق را دربرمی‌گرفتند. سطح مشبک پنجره‌های ارسی چندین کارکرد داشت؛ نخست نور فضای درون را تأمین می‌کرد و سپس دید و منظر بیرون را در اختیار افراد درون فضا قرار می‌داد و از شدت نور آفتاب و گرمای آن می‌کاست. کارکرد دیگر، حفظ حریم و محرمیت فضای درون اتاق‌ها و تالارها نسبت به فضای بیرونی بود. خانه‌های واقع در بعضی از شهرها، از جمله شهرهای شمالی کشور از پنجره‌های ارسی در سمتی از خانه که رو به گذرگاه عمومی بود، استفاده می‌کردند؛ زیرا ضمن برخورداری از نور و منظر فضای عمومی، محرمیت فضای اتاق نیز مخدوش نمی‌شد. از ارسی در فضاهای درونی نیز استفاده می‌شد، در جاهایی مثل بالاخانه‌ها و اتاق‌های گوشواره واقع در یک یا دو سوی تالارهای بزرگ و مرتفع؛ زیرا در اوقاتی که مجالسی مردانه در تالارها یا اتاق‌های بزرگ هفت دری یا پنج دری برگزار می‌شد، زنان در اتاق‌های گوشواره یا بالاخانه که در بالا و در دو سوی تالار قرار داشت و از یک سمت به آن دید داشتند، می‌نشستند و به این ترتیب بر فضای تالار اشراف داشتند. سطح پنجره‌های ارسی را گاه با نقوش گوناگون گره‌سازی و شیشه‌های رنگین و ساده می‌آراستند و ترکیب‌های بدیع پدید می‌آوردند.

شباک: شباک واژه‌ای فارسی و ایرانی است که مشتقات آن در گویش‌های گوناگون ایران فراوان شنیده می‌شود. هوای متغیر ایران، آفتاب تند، وزش باد و طوفان و گردباد و نیز عقاید خاص ملی و مذهبی ایجاد می‌کرده است که ساختمان علاوه بر در و پنجره در وزن، پرده‌ای یا شباکی برای حفاظت از درون بنا داشته باشد. سطح مشبک که از دو فضای پر و خالی تشکیل شده است، به نحوی که از یک سو بتوان سوی دیگر آن را دید، شباک گفته می‌شود. احداث این سطح به دلایل گوناگونی صورت می‌گرفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محدود کردن دید از بیرون به درون فضا، تأمین سایه و تأمین دید از یک فضا به بیرون به شکلی محدود، و ایجاد سطحی محصورکننده اما مشبک که مانع عبور جریان هوا نباشد. شباک کاربرد گسترده‌ای داشته و با مصالح گوناگونی مانند آجر، کاشی، سنگ، چوب یا گچ ساخته می‌شده است.

درها و
پنجره‌ها

عناصر به وجود آورنده سلسله‌مراتب محرمیت

۱. نمای خارجی

نمای بیرونی در اغلب خانه‌های سنتی ساده و بی‌تزیین است و هیچ پنجره و هیچ دری جز در ورودی به راه‌های ارتباطی شهری در خارج از خانه وجود ندارد. (غفاری، ۱۳۸۸: ۸) در این خانه‌ها بیننده تصور می‌کند که بنا به بیرون پشت کرده است، در حالی که نمای داخلی آنها دارای طرح‌های معمارانه بوده که از قبل طراحی شده‌اند. همچنین در دوره‌ها یا شهرهایی که مردم از لحاظ اجتماعی از حمله بیگانگان یا تعدی زورمندان کاملاً در امان نبوده‌اند، این مسئله بیشتر مشاهده می‌شود تا توجه دیگران به ورودی خانه جلب نشود. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۳۶)

۲. ورودی خانه (درآیگاه)

بیشتر خانه‌های سنتی، بویژه خانه توانگران، دارای درآیگاه هستند. درآیگاه بخشی از ساختمان است که رفت و آمد به ساختمان از آنجا انجام می‌گیرد، درآیگاه دربرگیرنده فضاهای پیشخان (پیشگاه، جلوخان)، درگاه، هشتی یا کریاسی، دهلیز یا دالان یا راهروست. (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

۳. پیشخان (جلوخان)

ورودی اغلب با یک عقب‌نشستگی همراه با طاق‌بندی و یزدی‌بندی، خود را مطرح می‌کند که همان پیشخان نامیده می‌شود و بیشتر اوقات نسبت به سطح کوچه، اختلاف سطحی در حد یک یا دو پله دارد. دو سکو برای استراحت افراد مراجعه‌کننده تا لحظه باز شدن در ورودی در دو طرف آن به طرف کوچه تعبیه شده است. ورودی همیشه دو نوع کوبه (برای زنان و مردان) دارد که جنسیت وارد شونده را بیان می‌دارد؛ اهمیت محرمیت و حفظ حرمت و پوشش موجب شده بود که برای مردان و زنان دو کوبه جداگانه و با شکل‌های معین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. (غفاری، ۱۳۸۸: ۸)

نمای درآیگاه از بیرون و در گذر همگانی مردم، دارای یک سردر است. آنچه از هر خانه از بیرون نمود می‌کند، تنها سردر آن است، چون دیوارهای گرداگرد خانه‌ها ساده و مانند هم هستند. پس از گذر از تورفتگی پیشخان به درگاه خانه می‌رسیم که باید از آستانه در بگذریم و به درون پا بگذاریم (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در خانه‌ها حتی خانه‌هایی که فضای ورودی بزرگی داشتند، دارای ابعادی در مقیاس انسانی بود. (سلطانزاده، ۱۳۷۱: ۱۲)

۴. سردر

ورودی خانه، معماری خاص خود را برای تامین اهداف و حفظ سنت‌های آن دارد. فضای ورودی خود بخشی از توالی فضاهای به هم پیوسته و مرتبط کل خانه است. هنگام ورود به ساختمان، هم مانعی برای ورود به خانه دانسته می‌شود و هم محلی برای خوشامدگویی به مهمانان نیمه‌آشناست؛ این فضا برای تازه‌واردان به مثابه ورودی انتظار به کار می‌رود که ساکنان خانه، برخی تعارفات معمول را در آنجا انجام می‌دهند و عابران نیز گاهی برای رفع خستگی و استفاده از سایه آن توقفی کوتاه دارند. ورودی، همچون پلی است میان حریم خانه، خیابان و محله (کاتب، ۱۳۸۴: ۱۶۵). به بیان دیگر، ورودی خانه به عنوان نقطه عطف عمل می‌کند که با سکوی طرفین درگاه شروع و با طاق‌های بالای در ورودی ادامه می‌یابد.

۵. هشتی

بعد از عبور از سردر، در بدو ورود خانه پا در فضایی با امکان مکث می‌گذاریم. فضای ورودی که در مقایسه با فضای معبر، کم نورتر و خنک‌تر است، حالتی خوش‌آمدگو و آرامش‌بخش دارد و در صورت نیاز امکان اقامت و گفت‌وگوی دو سه نفره نیز در آن فراهم است، معمولاً به شکل مربع، مستطیل یا هشت گوش است و نسبت به درگاه، ارتفاع متفاوت می‌گیرد.

هشتی نخستین فضا در خانه‌های ایرانی است. فضای هشتی الگوی رفت و آمد به درون خانه را تنظیم می‌کند. درون هشتی یک یا چند در با یک یا چند راه وجود دارد. یک راه به بالاخانه یا اتاق مهمان (که روی سردر کوچه قرار داشت که به آن «فروار» می‌گفتند) پیرنیا،

حريم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۲۹

۱۳۷۱: ۱۰۲). این راه برای کسانی است که قرار نیست به درون خانه و حیاط‌ها داخل شوند. یک راه هم از طریق دالان به حیاط می‌رسد. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

۶. راهرو (دالان یا دهلیز)

دستگاه هشتی معمولاً شامل ورودی اصلی و دسترسی به بام و راهروی منتهی به حیاط خانه است. این راهرو ممکن است مستقیم، L شکل یا مارپیچ باشد؛ زیرا هدف اصلی از شکل آن، جلوگیری از دید مستقیم خارج خانه به داخل خانه است. اگر فرم خطی برای مسیر ورودی تا حیاط اختیار شده باشد، معمولاً به گوشه‌ای از حیاط می‌رسد که در آن مکان، خانواده فعالیت خاصی ندارند. (معماریان، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۷)

دالان یا راهرو از لحاظ کالبدی، فضایی باریک و کم‌عرض است. البته عرض دالان‌ها متناسب با کارکرد بنا و عده استفاده‌کنندگان از آنها تعیین می‌شده است.

معمولاً در دالان اختلاف سطح بین هشتی و حیاط خانه حل می‌گردد. پیچیدگی دالان برای رعایت حریم خصوصی خانه است تا عابر به سرعت نتواند فعالیت‌های جاری در حیاط را متوجه شود. دالان در طول مسیر خود اغلب دارای دو پیچش است. (غفاری، ۱۳۸۸: ۹) به این ترتیب مسئله محرمیت را از طریق دالانی که در امتدادی غیرمستقیم به حیاط ختم می‌شد، حل می‌کردند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۸)

۷. حیاط

حیاط همانند هر پوششی نسبت به عوامل بیرونی (ناهنجاری‌ها) حالت بازدارندگی دارد و نسبت به قامتی که آن را دربر گرفته، زیبایی‌بخش است. (پسندیده، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۳)

بخش روباز خانه، میان‌سرا بوده که در میان خانه جای داشته است و اتاق‌های گوناگونی در گرداگرد آن ساخته شده و رو به آن باز می‌شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۴۵). فضاهای حیاط مرکزی امکان زندگی اجتماعی در مقیاس واحدهای بزرگ خانوادگی را نیز مقدور می‌ساختند که به صورت حضور در حلقه یک حیاط یا با اتصال چند حیاط مرکزی تودرتو ممکن می‌شدند و بدین ترتیب نوعی زندگی خرد اجتماعی را نیز سازمان می‌دادند. (غفاری، پیشین: ۹؛ افشار نادری، ۱۳۸۱: ۳۲)

۱۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در برخی از خانه‌ها، حیاط اندرونی، در جداگانه داشت و همچنین گاهی در فاصله حیاط و دالان، در جداگانه‌ای تعبیه می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۲). کف اتاق‌ها از کف میان‌سرا بلندتر بود. برای رسیدن به هر اتاق میان‌سرا، راهروهای کنار آن به میان‌سرا راه داشته‌اند. گاه این فضا گشاده‌تر از یک راهرو می‌شده که تختگاه نام داشته است. (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

تقریباً همه راه‌ها، پله‌ها، پاگردها، اتاق‌ها و سرداب‌ها به حیاط متصل بودند و متقابلاً حیاط نیز چشم‌انداز طراحی شده و آراسته‌ای برای تمام اتاق‌ها و فضاهای خرد و کلان خانه بود. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

از جالب‌ترین ویژگی‌های جامعه اسلامی تقسیم خانه به دو بخش «دیوان‌خانه» محل پذیرایی از مهمان مرد و «حرم» بخش پذیرایی از مهمان‌های زن و اعضای خانواده است. این تقسیم‌بندی مخصوصاً در منازل ثروتمندانی که احیاناً صاحب دو حیاط هستند، کاملاً مشخص است. (افشار نادری، ۱۳۸۱: ۳۷۳)

۱-۷. حیاط مرکزی

حیاط مرکزی نامی است که به طور معمول به انواع متنوعی از حیاط‌هایی گفته می‌شود که در آنها دست کم در یک سمت و دست بالا در چهار سوی آنها فضای ساخته شده وجود دارد و تنها یا مهم‌ترین و اصلی‌ترین فضا برای تامین نور، تهویه، ارتباط درونی و برخی کارکردهای دیگر برای خانه است. جای گرفتن فضاهای ساخته شده در پیرامون حیاط و بویژه در حیاط خانه‌های بزرگ و بسته شدن این گونه حیاط‌ها در چهار سمت با اتاق‌ها یا دست کم با دیوار، سبب نام گرفتن آن به حیاط مرکزی شده است. در متون کهن آن را میان‌سرا خوانده‌اند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۲)

۲-۷. حیاط بیرونی (مردانه)

این نوع حیاط متوسط و به شکل مربع یا مستطیل است و از ویژگی‌های آن، این است که محلی نیمه‌خصوصی بود و به مهمانان و غیروابستگان اختصاص داشت و بویژه برای مراسم مذهبی به شکل حسینیه استفاده می‌شد.

حرمیت و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ❖ ۱۳۱

۳-۷. حیاط اندرونی

این حیاط اساساً بزرگ است و تناسب آن هماهنگ با اتاق‌هایی است که پیرامونش قرار دارند. اندرونی مختص خانواده بود و کسی حق ورود به آن را نداشت. این نوع حیاط از خصوصی‌ترین حیاط‌های سنتی به شمار می‌رود. (یاری بروجنی و همکاران، ۱۳۹۳)

۴-۷. حیاط میانی

این قسمت مابین دو حیاط پیشین و پسین بود و دو قسمت اصلی بنا و آشپزخانه را به هم متصل می‌کرد. (صارمی و همکاران: ۱۳۹۳).

۸. اتاق

وجود اتاق‌های مختلف برای حفظ محرمیت از نکات مهمی است که در معماری سنتی به آن توجه شده است. در خانه‌های سنتی، اتاق مهمان (پنج‌دري) به تعداد بیشتر و نفوذ به آن دشوارتر بوده است. در خانه‌های سنتی تفکیک اتاق مهمان از دیگر فضاها با ویژگی فاصله نیز تلفیق می‌گشت. در مورد اتاق‌های خواب در خانه‌های سنتی که معمولاً سه‌دري است این وظیفه را انجام می‌داد. در خانه‌های سنتی هم فاصله نسبی و هم موانع نسبی اتاق‌های خواب در حد بالایی است و این مسئله نشانگر عدم نفوذپذیری آسان به محل خواب و استراحت ساکنان بوده که با محرمیت در ارتباط کامل است.

در معماری خانه‌های سنتی ایران برای مهمان‌ها هم اتاق ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شده است که معمولاً بدان «مهمان‌خانه» یا «پنج‌دري» می‌گفتند. (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۵۷)

در برخی خانه‌ها از این اتاق‌ها برای ملاقات‌های کاری مرد خانواده نیز استفاده می‌شده است. معمولاً مهمان‌های این اتاق از طریق آبدارخانه‌ای که در نزدیکی قرار دارد، پذیرایی می‌شدند. منظر این اتاق به حیاط بیرونی کوچک که محل آمد و شد محارم نبوده، جلوه‌ای نیکو به حرمت مهمان نزد صاحبخانه می‌داده است. (یاری بروجنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳)

۹. پله یا پلکان

اگرچه پله به عنوان اثر معماری به حساب نمی‌آید، اما کاربردهای سودمندی در خانه‌ها داشت. پله‌ها در واقع راه‌های ارتباطی به طبقات و پشت‌بام و زیرزمین بوده‌اند. در همه خانه‌ها دو راه‌پله وجود داشت، یک راه‌پله مستقیماً به طبقات بالایی راه داشت که همه افراد اعم از غریبه و مهمان از آن استفاده می‌کردند و یک راه پله دیگر که فقط خاص افراد خانواده، بویژه خانم‌ها بود که به طور مخفی به یکی از اتاق‌ها راه داشت. (صارمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲)

۱۰. مطبخ

مطبخ یا آشپزخانه همواره در جایی قرار می‌گرفته است که بانوی خانه در آن به آسودگی به کار پردازد و کمتر در برابر چشم باشد. (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۱۳۱)

۱۱. طنبی (تنبی)

تنبی تالاری رو به میان‌سرا (حیاط) است که درگاه و پنجره ندارد و بسیار با فرهنگ ایرانی متناسب است و می‌توانسته در حکم نشیمن افراد خانه باشد و در عین حال هنگام فصل گرما تابستان‌نشین بوده است. نورگیری آن از آسمان دو لایه بوده است تا هوای درون را خنک نگاه دارد. (همان: ۱۳۵)

جدول ۳. عناصر به وجود آوردن سلسله‌مراتب محرمیت در خانه‌های سنتی

عناصر معماری	نقش فضایی	کیفیت معماری
کالبد (نما) خارجی	عبور	درون‌گرایی، محصوریت، دید نداشتن به بیرون
ورودی خانه (درآیگاه)	مکث	انتظار، گفتگو، در امان ماندن
پیشخان	مکث	انتظار، گفتگو، در امان ماندن
سردر	عبور- مکث	انتظار، گفتگو، در امان ماندن، دو نوع کوبه
هشتی (کریاس)	مکث	انتظار، ملاقات کوتاه، فضای تقسیم، پیش‌فضای ورودی
دالان (دهلیز)	عبور	هدایت به درون، ورود غیرمستقیم
حیاط (میان‌سرا)	مکث و عبور	درون‌گرایی و دارای سلسله‌مراتب عبور
اتاق	مکث	دارای دو مدل عمومی و خصوصی

جمع‌بندی

معماری، بسیاری از رفتارهای ما را جهت‌دهی می‌کند؛ زیرا تا پیش از ساخت بنا ما به آن شکل می‌دهیم و پس از ساخت، بنا رفتار ما را شکل می‌دهد، به همین دلیل اگر در مرحله طراحی، بر اساس فرهنگ خودی و بومی نقشه‌ای را طراحی کنیم، میان فرهنگ ایرانی - اسلامی ما و فرهنگی که بر اساس جهان‌بینی الهی و ارزش‌های دینی، ساختمان بر ما تحمیل می‌کند، تناقض پیش نخواهد آمد، اما اگر معماری بر مبنای فرهنگ بیگانه و غیرخودی ساخته شود، تناقض حاصل خواهد شد.

گر چه ممکن است این تناقض در آغاز مشکل‌ساز باشد و رنگ و بوی ستیز دهد، اما به مرور زمان از فرهنگ فرد حساسیت‌زدایی می‌شود و فرهنگ ساختمان چیره می‌گردد. این تغییرات آنقدر آرام و خزنده‌اند که شاید هیچ توجهی را جلب نکند، اما پس از گذشت زمان با مقایسه این دو دوره می‌توان تغییرات را درک کرد.

در معماری اسلامی نه تنها درون هیچ خانه‌ای از بیرون قابل دید نیست، بلکه ورودی بسیاری از خانه‌ها به نحوی ساخته شده است که اگر در خانه نیز باز بماند، حیاط و درون خانه به هیچ وجه قابل دید نیست. اما متأسفانه امروز به تبعیت از فرهنگ بیگانه، هم درون خانه‌ها در معرض دید است و هم خانه‌ها به گونه‌ای ساخته شده‌اند که هر یک بر دیگری اشراف دارد.

در معماری ایرانی - اسلامی پوشیدگی درون خانه به گونه‌ای است که خانواده در معرض دید میهمانان نامحرم نیستند و خانواده کمتر در دید نامحرم قرار می‌گیرد. معماری سنتی ایرانی - اسلامی همه فضای منزل را در برابر دیدگان نامحرم قرار نمی‌دهد و فضاهای خصوصی خانه همچون اتاق‌های استراحت، آشپزخانه و سرویس‌ها را که معمولاً خانم‌ها بیشتر از آن استفاده می‌کنند، به گونه‌ای طراحی می‌کنند که در معرض دید نباشند، اما در معماری برهنه و غرب‌زده چنین ملاحظاتی بی‌معناست. اصل محرمیت به زیبایی در معماری سنتی ایرانی - اسلامی کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضا و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است.

۱۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

معماری سنتی ایرانی - اسلامی ارزشمند و سربلند است، خاک را شرافت و انسان را کرامت می‌بخشد و ترجمان کارایی، پایایی، زیبایی، والایی، معرفت و حکمت است. با توجه به گسستگی به وجود آمده بین معماری سنتی ایرانی - اسلامی و معماری بی‌هویت معاصر، یکی از معضلاتی که در این حوزه رخ داده، نقص حریم، محرمیت، سلسله‌مراتب و درونگرایی است.

بررسی فضاهای معماری ایران نشان از آن دارد که فضاهای بینابینی نقش حریم برای هویت‌دهی و تقدس آن فضا را داشته و از طرفی مجالی برای وحدت و بسط آن با دیگر فضاها فراهم آورده است. این در حالی است که در معماری امروز ایران شاهد افزایش تجمل‌گرایی، برونگرایی افراطی و درون‌نمایی بی‌مورد هستیم که مشکلات عاطفی و خانوادگی را به همراه می‌آورد.

در معماری معاصر به دلیل نبود شناخت و درک صحیح از فضاهای بینابینی، فضای مناسب و درخور بانوان و اعضای خانواده ساخته نشده است؛ تا آنجا که فضاها به تفکیک جنسیتی صرف تقلیل یافته است.

سلسله‌مراتب در قسمت‌های مختلف خانه، حدود و مرزها را تعیین می‌کند؛ فضاهای پاک را از فضاهای ناپاک دور و فضاهای درون را از فضاهای بیرونی مستور می‌سازد؛ جایگاه خلوت بزرگان را از محل بازی کودکان محفوظ می‌دارد و مکان پخت و پز را از استراحت جدا می‌نماید و نفوذ و راهیابی فضاها به یکدیگر را مرحله به مرحله می‌سازد.

از سوی دیگر، ورود از فضایی به فضایی دیگر در مسیرها و فضاهای متفاوت رخ می‌دهد تا ضمن نمایاندن گذر از مرتبه‌ای و درآمدن به مرتبه دیگر، نیل به وصول را با مکث و تأملی همراه کند و برنامه‌سازان صدا و سیما شایسته است همه این شرایط را در فیلم‌هایی که در آنها از خانه‌هایی با محوریت محرمیت استفاده می‌کنند، به تصویر بکشند تا در فضای معماری شهر و روستای این مرز و بوم خانه‌هایی با هویت ایرانی جایگزین خانه‌هایی با فرهنگ وارداتی شود.

حريم و محرميت در خانه‌های سنتی ايران ❖ ۱۳۵

منابع

- آخوندی، مصطفی (۱۳۹۳). شناخت مسکن در آموزه‌های دینی. قم: زمزم هدایت.
- افشار نادری، کامران (۱۳۸۱). معماری ایران. تهران: آگاه.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۵). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: دارالحدیث.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۱). آشنایی با معماری اسلامی ایران. ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری. تدوین غلامحسین معاریان. تهران: سروش دانش.
- _____ (۱۳۸۷). معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
- چرمایف، سرچ؛ الکساندر کیستفر (۱۳۷۱). عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی به جانب یک معماری انسانی. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری.
- حبیبی، سید محسن؛ افشنگ، مانی؛ اهری، زهرا؛ ملکوتی، مژگان؛ ایزدپناه جهرمی، آیدا؛ ایزدی، ندا؛ کوشش، مهفام (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خان‌احمدی، زهرا؛ زینل‌زاده، ستاره (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی تاثیرات ساختار فضایی بر میزان محرمیت خانه‌های معاصر و سنتی ایران به روش تحلیل اسپیس سینتکس (نمونه موردی: خانه‌های سنتی قاجار و معاصر تهران)». تهران: مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.
- دیبا، داراب؛ شهریار یقینی (۱۳۷۸). «تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان». نشریه معماری و شهرسازی. ش ۲۴، صص ۶-۱۶.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۱). فضاها و ورودی خانه‌های قدیمی تهران. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری.
- سیفیان، محمدکاظم؛ محمودی، محمدرضا (۱۳۸۵). «محرمیت در معماری سنتی ایران». تهران: نشریه هویت شهر.

۱۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- صارمی، حمیدرضا؛ رفیعی‌راد، نسیم؛ قاسمی‌مقدم، محسن (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی حریم خانه‌های سنتی و معاصر». دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز: دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری.
- علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۰). تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله. تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- عمید، حسن (۱۳۶۵). فرهنگ عمید (شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی). ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- غفاری، نازنین (۱۳۸۸). «نقش حریمیت در احراز حریمیت محیط». همایش ملی زن و معماری.
- کاتب، فاطمه (۱۳۸۴). معماری خانه‌های ایرانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیوانلو، محسن؛ مهدی اسدی (۱۳۹۲). «بررسی نقش هویت در سازماندهی و طراحی فضاهای مسکونی (نمونه موردی، مجموعه‌های مسکونی در توسعه‌های حریم شهری بجنورد)». مجموعه مقالات همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران
- مرتضی، هشام (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی، کیومرث حبیبی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- معاریان، غلامحسین (۱۳۷۵). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی. تهران: علم و صنعت ایران.
- نوذری، شعله (۱۳۸۳). «رهنمودهای طراحی فضای باز مسکونی» مجله صفا. ش ۳۹، صص ۶۶-۴۵.
- هاشمی، آمنه (۱۳۸۹). «بررسی ویژگی‌های درون‌گرایی متاثر از مفاهیم حجاب قرآنی در معماری با رویکردی بر معماری مسکونی». همایش ملی زن و معماری.
- یاری بروجنی، نفیسه؛ مداحی، شیدا؛ مقدسی، مریم (۱۳۹۳). «بازشناسی اصل حریمیت در خانه‌های سنتی» در کنفرانس ملی شهرسازی مدیریت شهری و توسعه پایدار.